

مبارزه دوسویه ما و کبوتران پرقیچی

انحصارات

مجید پهلوان
www.majidpahlavan.com

در حالیکه اغلب تحلیلگران سیاسی و روابط بین الملل به نقش زمینه سازی ایالات متحده آمریکا و متحدین اروپایی آن در توانمند سازی گروه ها و سازمانهای تروریستی اسلام سیاسی در خاور نزدیک از لیبی تا پاکستان بها لازم و تعیین کننده میدهند ولی در مقابل هستند کسانیکه با عمده نمودن مسئله دین اسلام و مذاهب آن و مسایل فرهنگی خود مردمان آن دیار اندیشه تحلیل گران مذکور را مردود دانسته و با ذکر اینکه این تحلیلها ساخته و پرداخته چپ ضد امپریالیستی است گریبان خود را از واشکافی معضل بزرگی چون تولد و رشد جهادیون کله پوک و اسلام سیاسی جنایتکار و بنیہ مالی و میلیاردری آنها که از جمله "امدادهای غیبی" انحصارات امپریالیستی و اغلب وابسته به شرکت های نفتی و کنسرن ها و مجتمع های تولید ابزار جنگی است رها میکنند. با گفتن و نوشتن اینکه ایمان مذهبی و فرهنگ اسلامی و خشونت بار آن مردمان بستر اصلی تولد و رشد تروریسم اسلامی و ظهور داعش هاست، در واقع نعل وارونه میزنند و با زدن صورت مسئله راه حل باسمه ای خود را شبانه روز تبلیغ میکنند تا احتمالاً اذهان عمومی به کوچه باز نمودن همان امپریالیستها و بوق های تبلیغاتی آنها و ولخرجی آنها برای روانه نمودن اردوی خمینی به ایران توجهی نکند و در گرد و خاک ساختگی این جماعت اصل قضیه را کتمان نمایند. من معتقدم که تجربه خود ما و کار تحلیلگرانی چون آقای Robert Dreyfuss با پژوهش های دقیق خود و از جمله مسجدی در مونیخ و بازی شیطان و از جمله تجربه تک تک ما میگوید که چگونه خلق های منطقه خاور نزدیک دهه ها علیه دیکتاتوری دست نشانده مقاومت نمودند و بالاخره در لحظه برآمد اجتماعی و موقعیتی انقلابی این سازماندهی اربابان تروریستها از جمله اربابان بن لادن، حکمت یارها، اخوان المسلمین ها و فداییان اسلام بودند که با توانمند نمودن همان گروه های معتقد به حکومت اسلامی که قرن ها جرات نفس کشیدن نداشتند به صحنه خروش عمومی ظاهر و با بدست آوردن تدارکاتی چشم گیر و پوشش خبری چشم گیر تر توسط ارباب رسانه های عمومی و زمینه سازی حیرت انگیز و سر باز گیری تاریخی، بر راس حرکت مردمان نشستند. اگر بگویید آنها هم بستگی تاریخی و فرهنگی با مردمان خود داشتند بحث نیست ولی در همان کشورها خروش مردم توسط طبقه متوسط نو و زحمتکشان جمعیت میلیونی در تظاهرات خود حاضر کرد که اسلاميون حتی توان جمع آوری اوباش را هم نداشتند (اراده آمریکا بر اصلاحات ارضی بود و لذا در خرداد ۴۲ خمینی کاری از پیش نبرد و تبعید شد). که اسلاميون سالهای نجومی پشت سر انقلابيون چپ و دموکرات مانده بودند ولی تدارکات و ارائه انحصارات در تعقیب اندیشه طرح خاورمیانه بزرگ و دفترچه آقای Brzezinski بالاخره کار خود را کرد.

چگونه بود که نارضایتی افغان ها از بلبشوی حاصل جنگ میان ارتش سرخ شوروی و مجاهدین دست پرورده سازمان سیا به حکومت اسلامی ختم شد. سری به طرح آقای برزژینسکی بزنیم. مشاور امنیت ملی در دولت پرزیدنت کارتر خود یک اشراف زاده لهستانی بود که به آمریکا آمد. وی مرید و شاگرد halford Mackinder بود که جدا در مادیت بخشیدن به فلسفه سیاسی و بین الملل استاد سنگ تمام گذارد. طرحی که میگوید خود منطقه Eurasia را میتوان کل جهان

یعنی همان دهکده جهانی نامید. هرکس و هر قدرتی بتواند سلطه و مهار خود را روی بخش شرقی (اروپای شرقی) گذارد صاحب مرکز جزیره جهانی میشود که یعنی قلب آن را تصاحب میکند و دنیا را! ابتدای این طرح زدن اتحاد شوروی و تسخیر شرق اروپاست. همین آدم و طرح او سرلوحه سیاست محوری دولت جمهوری خواه رانلد ریگان میشود و در جهت زمین زدن شوروی. همین آقا است که دست آدم خواری چون گلبدین حکمت یار را در دست میگیرد و به افغانستان میروند و جار میزنند که آی مجاهدین شما خدانشناس و خدا باورید درست مثل ما (امریکا) ما شما را همه جانبه در جنگ و نبردها علیه خدانشناسان روس حمایت میکنیم. آنجاست که تولد طالبان کلید میخورد و دویست پسر نوجوان را برای درس اسلامی روانه عربستان میکنند تا در بازگشت و در پاکستان بصورت تروریستهای خون آشام رهسپار کابل شوند. کسانیکه مدعی هستند که دین اسلام است که چنین اوضاعی را پرورده و فرهنگ مذهبی همان مردم است که تولید طالبان و حزب اله و ... میکند فراموش میکنند که اتفاقاً ما مردم افغانستان ایران پاکستان و غیره در زمان های دور و حتی پادشاهی ها بیشتر و مظلومانه تر به مسایل دینی میپرداختند و اسلام سیاسی سیا ساخته نخله جدید و در خور کسب قدرت سیاسی و به منظور زدن چپ و دموکراتهاست و نه بیش و در عین حال بیزاری عمومی از دین!

که طرح آقای برزژینسکی Zebignive ادامه پیدا کرد و حتی در باز نشستگی که با ارائه کتاب "صفحه شطرنج بزرگ" به سران رهبری کننده ایالات متحده آمریکا هشدار داد که هرگونه کم کاری و عدم تخصیص بودجه و عدم زدن دشمنان و مخالفین بالقوه و بالآخره تولید غول (Colossus) جدیدی میکند. پس برای جلوگیری از تولید غول جدید و پس از سقوط اتحاد شوروی باید سیاست محاصره و زمین گیر کردن رقبای آمریکا سریعاً پیاده شود و برای این منظور سود بردن اندیشمندان و مجدداً از اسلام میتوان هم جمهوریهای جنوب روسیه را از آن آمریکا نماید و هم ایقورهای چین را موی دماغ چینی ها. آمریکا میتواند با حمایت مجدد از نسل نو و اصلاح طلب درون مجتمع های اسلامی سیاسی جنگ را از مقابله تروریسم علیه چپ و دموکراتها به چالش بی پایان اسلام تمامیت خواه و اصلاح طلبان اسلامی تبدیل نماید. او مینویسد بهر رو غولی مقابل ایالات متحده قد علم خواهد نمود ولی برای تعیین غول بهتر است که ما هم در این صفحه شطرنج بزرگ The Grand Chessboard بیکار نباشیم. این حرفها مربوط به سال ۱۹۹۸ است که پس از آن مبینیم که چگونه و با شامورتی بازی اعجاب انگیز که تنها شبیه آن را میتوان در فیلم های هالیوودی یافت یازده سپتامبر و بن لادن و حمله هوایی به برج های دوقلو و تهاجم به عراق تثبیت نظامی آمریکا بر جهان و تبعات ویران کننده آن علیه خلق های بیگناه آن کشورها بوقوع میببوند. فراموش نکنیم که از قول های نخستین پرزیدنت اوباما قبل از انتخابات در آمریکا کاهش چشمگیر بودجه نظامی بود که بالاخره و پس از نشستن در کاخ سفید با یک فشار آرنج کنسرن های نظامی بودجه ۷۶۱ میلیارد دلاری را امضا کرد (سه میلیارد کمتر از بودجه دولت بوش) در حالیکه جنگ عراق و افغانستان و ... برای آمریکا پایان گرفته بود و دهها میلیارد هزینه نظامی آن مناطق از بودجه کسر میشود! حال سراغ این پول ها برویم که چگونه بسته به شرایط هرکشوری باید خرج شود. یکی از این اقلام تشکیل و تشدید حرکت سازمانهای تروریستی اسلامی است در عراق و سوریه که هزینه جنگ سوریه جایگزین بخشی از هزینه جنگ عراق و خارج کردن سربازان آمریکایی از آنجا شد. تعهدات آمریکا برای پرداخت هزینه های تروریستی گروه های اسلام سیاسی ادامه دارد.

مطالب بالا احتیاج به رمز دایی ندارد و هر گوشه آن در اسناد و کتب تحلیلی از

جمله **Black Water** آقای **Scahill** ویا فروپاشی امپراطوری از **Chalmer Johnson** (خود کارمند سیا بود) و دیگران موجود است. کاری که امریکا جدیداً میکند سرشکن کردن هزینه این قتل عام های امثال القاعده و داعش و... است میان هم پیمانان خود چون عربستان قطر و ترکیه چراکه اگر اسلام سیاسی و مترسک ساختگی داعش های دست ساز جانشین غول (اتحاد شوروی و اقمار) نمیشد پس طبق مفاد کتاب آقای برزژینسکی باید منتظر غول واقعی (رشد چپ و اندیشه ضد انحصارات و عدالت خواه و سوسیالیستی بود)!

یک قلم ودر خانمه مینویسم که ترس امریکا و متحدین از چپ چنان است که حاضرند با هر شیطانی کوچک تر از خود انحصارات امپریالیستی دست دهند و ائتلاف کنند. آنهاکه حضور فرهنگ دینی مردم عادی را بهانه عقب گرد مبارزاتی خود میکنند میدانند که مردم عادی ایتالیا هم مسیحی کاتولیک و پیرو سرسخت همان آئینی هستند که صدها هزار را گردن زده و ۱۱ قرن اروپا و دنیا را در ظلم تباهی (قرن بین ۱۵-۴) نگهداشته ولی چه شد که اکنون هیچ قدرتی نمیتواند از همان مردمان ایتالیا چنین بخواهند. آنچه که عقل سلیم میگوید این است که در صورت رشد و تعالی و توسعه اقتصادی سیاسی فرهنگی مردم ایران در آینده کسی نمیتواند آنان را میزبان و سرباز اسلام سیاسی نماید. حال چه موانعی اجازه نمیدهد ما به آن فضای دلخواه برسیم که ابتدای راهش برداشتن قهری جمهوری اسلامی است. از موانع داخلی آگاهیم ولی باور ندارید همان شرق و غربی که خمینی آنها را میزد مادران و پدران جمهوری اسلامی هستند که تا همین امروز زیر بالش را گرفته اند و کلی پاسداران و شکنجه گران قبلی همچون حسین موسوی را در واشینگتن تروخشک میکنند حواستان کجاست. پس چپ اگر ضدامپریالیست نباشد و با زحمتکشان میشود همین اسباب بازیهای مراکز دانشگاهی و فکرنابرهای انحصارات که سرنوشت ارسی ها و صدها نمونه مقابل ماست. همانها که اصلاح اندیشه دینی مردمان را جار میزنند تا بروند امریکا جایزه نیم میلیون دلاری بنگاه کودتاچیان تولیدکننده ژنرال پینوشه ها (بنگاه **Milton Friedman**) را بگیرند چون معضل را فقط درونی میدانند و میخواهند با کمکهای مالی و تدارکاتی بنناگون و سیا به اصلاح اجتماع خود بپردازند.

